

بارم	سؤالات	ردیف
۲۰	۱ در متن زیر ۲۰ <u>غلط املایی</u> وجود دارد، آنها را پیدا کنید و شکل صحیح آن را پشت برگه بنویسید. - پرستوها از سفر بازگشتند. در این سفر طولانی، خطرهای بسیاری وجود دارد. یکی از این خطرها، تغییرات هواست. خطر دیگر، حملهٔ پرندگان شکاری مانند اوقاب، شاهین و قرقی است. - پسرک گفت: از اینجا فهمیدم که الاغ سمت چپ را ندیده است. به همین دلیل حدث زدم، چشم چپش کور بوده است. از دانه‌های گندمی هم که روی زمین ریخته بود، فهمیدم بارش گندم بوده است. حاکم به حوش و فهم پسر آفرین گفت و مرد از او معذرت خواست. - حکیمی قصد سفر کرد. وقتی چشم خود را باز کرد، خود را در ساحلی دور افتاده دید. حکیم فهمید که از بلای توفان نجات یافته است و باید برای زنده ماندن خود چاره‌ای بیندیشد. - بازرگان از این کار طوطی تعجب کرد؛ اما طوطی که حالا از بند قفس آزاد شده بود با خوشحالی گفت: ای خاجه، دوست من در هندوستان با آن کار خود، راه‌هایی را به من آموخت. - آرش از کوه بالا رفت و گفت: خوب ببینید؛ در بدن هیچ عیب و نقسی نیست؛ اما خوب می‌دانم چون تیر از کمان رها شود همهٔ نیروی من از طن بیرون خواهد رفت. - خلائه، هر چه به روز ورود آن مهمان مهربان نزدیک می‌شدیم، تپش قلب‌ها تندتر می‌شد. نسیم خنک و مولایم بامدادی، دستی به صورتم کشید. خنکی هوای صبح را با تمام وجود حث کردم. - حرفه‌ی بنایی تبع پر شور و ذهن جویای او را راضی نمی‌کرد. وقتی می‌دید آتش زوق و قریهٔ استعداد کودکان در کوچه‌ها هدر می‌شود، ناراحت شد. - مهتاب نفس آمیقی کشید و گفت: حاضری با نقالهٔ هوشمند دایره رسم کنی؟ - دانا چون تبله‌ی عطار است؛ خاموش و هنرنمای و نادان چون طبلِ غازی بلندآواز و میان تهی. - آتش و دود فضای منطقه را پر کرده بودند. نیروهای ایران دژِ تصخیرناپذیر بودند و شجاعت رزمندگان وسف‌ناپذیر بود.	